

بررسی تحول آفرینی سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

حمیدرضا فرهمند^۱

چکیده

شناخت قابلیت‌های سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیازمند تبیین مستدل و قاعده‌مند ابعاد و ظرفیت‌های آن برای ایجاد «دگرگونی‌های» لازم و مطلوب در وضعیت کنونی و مشخص ساختن چیرستی و چگونگی و راهبری آنها متناسب با تراز الگو است. اینکه ماهیت اصلی سند الگو ایجاد تغییر است یا تحول؟ یا هم تغییر است و هم تحول، موضوعی اساسی است. تعیین ماهیت اصلی سند الگو و ظرفیت محتوایی آن هم به تبیین الگو و گفتمان‌سازی پیشرفت کمک می‌کند و هم در چگونگی راهبری و ارزیابی اجرا و نتایج مورد انتظار نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. این مقاله با دسته‌بندی انواع دگرگونی، معیار تمایزبخش میان ماهیت تغییر و تحول را ثبات یا دگرگونی پارادایم حاکم بر موضوع معرفی می‌کند. با تشریح چرایی و چیرستی الگو، چهار روش برای بررسی تحول در سند الگو تعریف شده است: منظر عرصه‌ها، منظر مسائل اساسی، منظر تدبیرها، و منظر نموده‌ها. مقایسه روش‌ها نشان می‌دهد که بررسی تحول در سند الگو از منظر نموده‌ها از هر سه موضوع استفاده می‌کند و از نظام‌مندی جامعی برای شناخت و بررسی ابعاد و گستره تحول آفرینی در سند الگو (در سطح کلان جامعه و در سطح عرصه‌ها) و ارزیابی تحقق تحول برخوردار است. در این روش با تعریف «بن‌مایه‌های هویت‌ساز تحول» و «نقاط کانونی تحول» به عنوان تحول آفرین‌های کلان و تعریف «نقاط تحول عرصه‌ای» به عنوان تحول آفرین‌های عرصه‌ای، نوعی نظام‌مندی در چیرستی و چگونگی تحول آفرینی سند الگو تبیین شده است. در پایان نیز نمونه‌ای عملی از کاربرد این روش در شناسایی و ارزیابی تعدادی از تحول آفرین‌ها در عرصه‌های سیاست، اجتماعی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: تغییر، تحول، نقاط کانونی تحول، نقاط تحول عرصه‌ای، پارادایم (انگاره)، نموده‌های تحول، تبیین الگو.

مقدمه

دستیابی جامعه به «پیشرفت» و حرکت برای «پیشرفته‌شدن» از یک «نقطه عزیمت» آغاز می‌شود. این عزیمت، امری قراردادی و حکمی نیست؛ بلکه وضعیت، نیازها و آرمان‌ها، خواست‌ها، توانایی‌ها و توانمندی‌های جامعه است که این نقطه عزیمت را بوجود آورده و در اختیار آن قرار می‌دهد. رویش چنین آغازی، پیش و بیش از هر چیز وابسته به آن است که نیاز به «دگرگونی» و «به‌شدن» زندگی بتواند از انحصار محدوده فردی و تشکیلات بخشی و اجرایی جامعه فراتر رفته و به اراده و خواست عمومی اجتماع تبدیل گردد و بصورت باور ملی در بینش و اراده عمومی ظهور کند. اراده عمومی نیز در بستر اندیشه یا اندیشه‌های بنیادینی می‌تواند شکل گرفته و بقا یابد که ظرفیت تعریف و یا بازتعریف «زیست مطلوب آینده» را هم‌نوا با خواست‌ها و آرمان‌های اصیل بشری و در هماهنگی با فرهنگ، تاریخ و هویت جامعه به گونه‌ای امیدزا و تحرک آفرین دارا باشند؛ آنهم به صورتی جامع، که گستره ابعاد مختلف جهان درون و برون فرد و جامعه را در بر بگیرند.

چنین اندیشه‌ای باید قابلیت داشته باشد با وحدت‌بخشی به آرمان‌ها، انگیزه‌ها، خواست‌ها و نیازهای یک جامعه، افق فردا را روشن کند و مسیر و الزامات و چگونگی خروج از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب آینده را نشان دهد. علاوه بر این قابلیت راهبری حرکت تحول‌گرای جامعه را در بستری پیوسته و مستمر، میان زندگی امروز و زندگی فردا، القا کند و در مصاف اندیشه‌ها و تجربه‌های دیگر،

۱. استادیار، عضو هیئت علمی سازمان جهاد دانشگاهی تهران و همکار مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، hrfarahmand@ut.ac.ir